

بررسی تطبیقی و سنخ‌شناسی مطالعات کیفی در علوم انسانی

گروه روش‌شناسی معاونت پژوهش و تولید علم

چکیده

روش کیفی یا ژرف‌نگر، با وجود قدمت تاریخی‌اش پس از سال‌ها خاموشی، در این دو دهه در علوم انسانی و راهبردی از اقبال خوبی برخوردار بوده است. هر چند این روش، با فرضیه‌ساختارمند آغاز نشده و فرضیه‌آزمایی از اصول آن نبوده و کمیت‌گرایی را وجهه‌نشیخه‌گیری قرار نمی‌دهد ولیکن سعی واقعی دارد تا به اکتشافات محیطی و بررسی‌های موردی زمینه‌ای و تحلیل‌رخدانداها توجه جدی نشان دهد. از این رو اعداد در این روش جایگاه ویژه نداشته، بلکه با تفسیر و تحلیل عمیق داده‌ها کارکرد و استنتاج خود را دنبال می‌کند و نهایت این روش تحقیق آن است که در صورت خوب انجام یافتن می‌تواند به تبیین نظریه، رویکرد، رهیافت و یا راهبرد منتهی شود. امروز این اهداف، جولانگاه روش کیفی می‌باشند. هدف این مقاله که تحت نظارت دکتر حسین عصاریان عضو هیات علمی دانشگاه تهیه شده است، معرفی روش‌های قابل اجرا و رایج در دیدگاه کیفی است که از طریق واکنوی روش‌های جاری تحقیق و با تأمل در حوزه‌های تعمیق‌نگری محیطی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

روش پژوهش، روش کیفی، مطالعات راهبردی، بوم‌نگاری، محیط‌شناسی

مقدمه

نگاهی گذرا به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده اعم از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های فوق‌لیسانس، دکتری و پژوهش‌های دیگر، نشانگر چند نکته قابل طرح است. این تحقیقات اکثراً یا قصد تست محیطی یا اجرای نظریه‌ای را داشته و یا کارکردی را آزمایش می‌کنند و فرضیه‌آزمایی را در پیش می‌گیرند. ثانیاً اغلب موضوعات و مسائل قابل لمس و کاربردی را کمتر در نظر داشته و موضوعات انتزاعی را با دیدی کلان در سطح تاثیر متغیرها در نظر می‌گیرند. امروزه اکثراً اطلاعات نسبتاً خوبی را به صورت کمی جمع‌آوری کرده‌اند، ولی تحلیلی عمیق در مورد اطلاعات به دست آمده صورت نگرفته است، چون تفکر کیفی در پژوهش‌ها وجود ندارد. هدف اصلی پژوهش کیفی فقط جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده ملاک اصلی می‌باشد. کاری که در اکثر پژوهش‌های کمی صورت نمی‌گیرد. غالباً مواد خام بسیار زیادی با توضیح مختصر معرفی می‌شوند. درحالی‌که اگر این مواد خام عرضه شده مورد تحلیل عمیق و کیفی قرار بگیرند اولاً، شناخت بیشتر و بهتری نسبت به موضوع را نشان می‌دهد. در ثانی علت‌های بروز آن معلول‌ها بهتر شناسایی می‌شوند. در پایان امکان معرفی پیشنهاد‌های عملی و واقعی و قابل اجرا جهت دست‌اندرکاران و مسوولین مربوطه بهتر میسر خواهد شد.

بیان مسأله

امروزه در حوزه پژوهش‌های راهبردی با دو روش کمی و کیفی سر و کار داریم. روش‌های پیمایش و کمی که به روش عینی‌گرایی و یا پوزیتیویستی معروف است، هدفش کشف واقعیت‌های تجربه‌شده در انسان و جهان است. لذا تلاش می‌کند تا راه حل مسائل را بر اساس اندازه‌گیری و مقیاس‌بندی عددی بیابد. روش کیفی یا تحلیلی که معطوف به فهم رمزهای زبان‌شناسی بوده، در پی تحلیل نیازها و گفتمان‌های ارتباطی و مسائل فیما بین می‌باشد. اخیراً روش سوم به نام روش

انتقادی در برخی از پژوهش‌های علوم انسانی نیز مرسوم شده است که مورد بحث این مقاله نیست. (باقری، ۱۳۷۴)

اما، در اکثر پژوهش‌های راهبردی دو روش ذکر شده بیشتر رایج و دارای طرفدارانی است که به نظریه پردازی پرداخته و در نتیجه سعی در برحق شمردن روش خود دارند. به عبارتی، بحث و گفتگو و جدل بین نظریه پردازان و طرفداران آنها برقرار می‌باشد. از دل این چالش این سوال بیرون می‌آید که کدامیک از این دو روش (کمی یا کیفی) برهم مزیت و برتری دارد؟

برخی معتقدند که طرح این سوال درست نیست، چون نه می‌توان و نه درست است تا برتری یکی را بر دیگری مطرح و یا اثبات کرد. بلکه هر دو روش دارای محسناتی بوده و یقیناً ضعف‌هایی نیز دارند. ولی نکته‌آسافی در این است که، در مورد بعضی موضوعات یکی از این روش‌ها بهتر پاسخگو بوده و می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و بهتری را در مورد موضوع مورد مطالعه بیابد. ضمن آن که در بعضی از جوامع تنها یک روش بهتر و مفیدتر می‌تواند عمل کند و مضاف بر آن مسأله هزینه‌زمانی و مادی موضوع پژوهش نیز یکی از دو روش را بیشتر توجیه می‌کند. ولی در واقع در صورت وجود امکانات و توان پژوهشگر، در اکثر موضوعات این دو روش می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و نتایج بهینه‌ای را به همراه داشته باشند.

ضرورت تحقیق

در پژوهش‌های کیفی اکثراً پژوهشگران موضوعات قابل لمس به خصوص در زندگی روزمره را انتخاب می‌کنند. همچنین نگاه ژرف آنها به شناخت موضوع اجازه می‌دهد که علت‌های اصلی وجود پدیده‌ها، واقعه‌ها و رفتارهای اجتماعی را شناسایی کرده و در پیشنهادها به صورت تحلیل‌های کمی دست به نسخه‌نویسی نزده، بلکه در صورت داشتن راه‌حل، پیشنهاد راه‌های منطقی با توجه به جزئیات موضوع و قابل اجرا بودن و با در نظر گرفتن امکانات اجراکنندگان و جامعه داده می‌شود. نگاهی گذرا به تمام پژوهش‌های کمی بیانگر این مطلب است که بدون استثناء به صورت نسخه‌نویسی پیشنهادهای سطحی و بسیار زیادی را در ارتباط با موضوع پژوهش به جامعه پژوهشی و افراد مورد پژوهش و مسوولین مربوطه ارائه

می‌کنند که به لحاظ سطحی بودن، بیشتر، حالت شعارگونه دارد تا امکان عملی بودن آنها. بنابراین، نتایج پژوهش‌های کمی کمتر توانسته است گره‌گشای مشکلات جامعه ما باشند و بیشتر در سطح طرح مساله باقی مانده‌اند.

دیدگاه کیفی قادر است در کنار روش‌های کمی به ما کمک کند تا جامعه را بهتر شناخته، دلایل وجودی ویژه‌گی‌های مختلف جامعه (اعم از مثبت و یا منفی) را بهتر شناسایی کرده، و در حل مشکلات موجود موفق‌تر بوده و ارائه راه‌حل‌های قابل اجرا جهت پیشرفت جامعه قدم‌های مستحکم‌تری بر داریم.

بهرتر است بر این نکته تأکید کنیم که اغلب دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی هنوز توانایی انجام یک کار میدانی و تحلیلی را به صورت مناسب و قابل قبول برای کارفرمایان تحقیقاتی خود و یا انجام تحقیقات تکمیلی خود ندارند، آنها در روش، در انتخاب موضوع و حتی در مساله ساده‌ای مثل انتخاب عنوان دقت لازم را ندارند: همچنان که در چکیده نویسی، طرح مساله و داده‌پردازی مشکل دارند.

در این میان تنها شاید آن دسته از دانشجویان که در طول دوران تحصیلی و از خلال کلاس‌ها و تحقیقات درسی خود وارد حوزه اکتشافی شده‌اند، برای نخستین بار با روش درگیر شده و به مشکلات روش شناختی پی می‌برند.

هدف تحقیق

هدف مقاله حاضر نقد روش کمی نیست، بلکه تلاش می‌کند تا پس از معرفی مختصر ویژه‌گی‌های دیدگاه کیفی روش‌های اجرا سازی و تحصیل در فهم و به کارگیری آن را، رونمایی کرده تا بیشتر مورد بررسی و معرفی قرار گیرند.

سوال تحقیق

روش در حوزه علم و پژوهش یک امر خود آگاهانه و ساخت یافته است، وقتی از روش کیفی سخن گفته می‌شود به تعبیری از یک روش خود آگاهانه نه یک روش خود انگیزه که چندان معنایی ندارد بحث می‌شود و یک پژوهشگر زمانی وارد متد می‌شود که آگاهانه عمل کند و چیزی را بسازد. در نوشتن مقالات علمی اولین

چیزی که مهم است این است که محقق چه چیزی را می‌سازد و مفهوم ساختن چگونه باید در ذهن او جای گیرد، حال نکته اساسی این است که چگونه می‌توان پارادایم‌ها را در ذهن ساخت و آگاهانه پرورانید؟ اینها حداقل سوالاتی است که یک محقق در روش کیفی باید قبل از شروع کار از خود بپرسد: باید بداند چه چیزی می‌خواهد تولید کند؟ و یا هرکدام از این تولیدات کالای متفاوتی است.

ادبیات تحقیق

روش تحقیق کیفی در واقع مجموعه‌ای از ابزارهای شناختی نظام‌مند است که انسان‌ها برای شناخت جهان پیرامونی خود به کار می‌گیرند، البته همه انسان‌ها تا اندازه‌ای دارای لاقط بخشی از این ابزارها ولو به صورت ناخودآگاه هستند. برای درک بیشتر روش کیفی، بهتر است جایگاه آن را در عمل، یعنی هنگام انجام پژوهش، یا روش‌های جمع‌آوری اطلاعات مورد بررسی قرار داده و مشاهده کنیم. به زبان دیگر، نمادهای اجرایی روش‌های کیفی را در گذر از عمل می‌توان شناسایی و معرفی کرد.

از مزیت‌های مهم دیدگاه کیفی، در جمع‌آوری اطلاعات دقت و نزدیکی به واقعیت موضوع مورد مطالعه می‌باشد. در بعضی از موضوع‌ها مانند: نگرش‌ها، تفکرات، نظرات افراد پیرامون مسائل مختلف راهبردی، توسط پرسشنامه امکان دست‌یابی به واقعیت‌ها خیلی ضعیف است، زیرا اکثر افراد اولاً، ممکن است واقعیت‌ها را کتمان کنند، ثانیاً کلیشه‌ای جواب بدهند، ثالثاً آرمان‌گرایانه پاسخ بدهند. در حالی که در مصاحبه‌های عمیق و مشاهدات محیطی از نزدیک، امکان کشف شاخص‌های موثر محیطی یعنی جمع‌آوری اطلاعات دقیق بسیار زیاد می‌باشد. ابزارها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات که در روش‌های کیفی رایج است عبارتند از: مردم‌نگاری، مشاهده کردن، پژوهش در عمل، بررسی موردی و زمینه‌ای.

حال چرا نیازمند واکاوی و توجه به ضرورت‌های چرخش در روش تحقیق هستیم؟ شاید ساده‌ترین جواب و در عین حال بهترین جواب این سوال این باشد: برای اینکه "واقعیت" را بشناسیم. وقتی که پسوند "راهبردی" بر کارکردی خاص و مورد نیاز در برنامه‌ریزی کلان اضافه می‌شود، لاجرم اسلوب شناخته شده‌ای باید

تنظیم امور را عهده دار شود. به کار بستن دانش در این حوزه مستلزم علمی بودن شناخت است واقعیت‌ها یا "توافقی" هستند و یا اینکه "تجربی" می‌باشند. وظیفه علم در قبال واقعیت توافقی این است که آن را از طریق "تجربه" به بوته آزمایش می‌گذارد. در قبال واقعیت تجربی، علم از طریق اپیستمولوژی (علم دانستن) و زیر شاخه متدولوژی آن وارد عمل می‌شود. کسی که متدولوژی خوبی نداشته باشد مطمئناً به دانش و شناخت خوبی نخواهد رسید. مطالعات راهبردی اولاً به خاطر اینکه مربوط به حوزه شفاف و متکثر راهبردی هستند. نیازمند وسعت دید می‌باشد. نکته دوم که متأثر از اولی و تکوین و پیشرفت این رشته است، بین رشته‌ای بودن آن است. این امر به نوبه خود حوزه متدولوژی آن را وسعت مضاعف می‌دهد. نکته مهم این است که ما بی‌نیاز از روش علمی نیستیم، بلکه نیازمند باز تعریف و مدیریت روش جهت تمرکز بیشتر می‌باشیم. مطالعات راهبردی در مطالعه محیطی، نگاهی نقادانه به روش‌شناسی محیط و موضوع دارد محیط متأثر از شرایط و روابط عناصر هستند. ما چگونه راهبرد‌های محیطی را درک و چگونه با وجود این همه تنوع و تکثر در نظریات، واقعیت را بشناسیم. مطالعات راهبردی کمک شایانی به محققان این حوزه می‌کند. هرچند تاکنون کارهای قوی توسط دانشجویان مقاطع دکتری در این زمینه انجام شده است. اما نشانه‌هایی از تمایل به سمت تحقیق کیفی وجود دارد که نشانگر نو پا بودن مطالعات راهبردی در ایران است. همانطور که گفته شد مطالعات راهبردی مطالعات خاص خود را می‌طلبد. البته مطالعه سوابق و تجارب دیگران از طریق روش تحقیق بسیار کمک می‌کند که تحلیل نظریه منطبق با موقعیت‌های لازم را به دست بیاوریم. تحلیل نظری سهم به‌سزایی در رشد مطالعات راهبردی به عنوان حوزه پویای تفکر قدرت دارد.

دیدگاه یا روش کیفی یا پارادایم کیفی قدمتی بس تاریخی دارد. (هس و سووا، ۱۹۹۳: ۵۳) ولی بدون شک در رویکردهای علمی خصوصاً در حوزه علوم راهبردی به توان کارهای مارسل موس را آغازگر این گونه تفکر و روش دانست. موس در ابتدای قرن گذشته با نگارش کتاب "راهنمای محیط‌نگاری" سنگ بنای روش کیفی با شیوه‌های علمی رایج امروز را پایه‌ریزی کرد. (موس، ۱۹۹۲: ۱۴) وی در کتاب خود به تفصیل روش‌های مشاهده و اکتشاف برای شناخت محیط و عناصر آن

شامل: جمعیت، جغرافیا، سازمان، اقتصاد، حقوق، مذهب و پدیده‌های عمومی و ملی، بین‌المللی و مطالعات هنجارها و برنامه‌ها، مورد بررسی قرار داد. از سوئی دیگر تا سال‌های ۱۹۶۰ الی ۱۹۷۰، بیشترین تحقیقات علوم راهبردی در کشور‌های غربی با روش کمی صورت می‌گرفت. برای مثال نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های راهبردی آمریکا تا سال ۱۹۸۸ مبتنی بر تحقیق کمی و بررسی آماری بودند. (سیلورمن، ۱۳۷۹: ۱) اما، قریب به دو دهه است که روش‌های کیفی در اکثر پژوهش‌ها در اروپا از استقبال بیشتری برخوردار شده است و این در حالی است که در این دو دهه، جهان شاهد پیشرفت‌های بسیار زیادی در حوزه راهبردی و انتقال چرخه‌های قدرت از حوزه نظامی به حوزه‌های نرم بوده است.

نوع‌شناسی مطالعات کیفی

۱- محیط‌نگاری

لازم به ذکر است که محیط‌نگاری، هم به عنوان تکنیک جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده) و هم به عنوان یک روش تحقیق (مجموعه‌نگرشی کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع تحقیق خاص) و هم به عنوان یک نظریه (مجموعه‌نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح می‌باشد. (موس، ۲۰۰۰: ۵۶)

از نظر لغوی روش محیط‌نگاری یعنی توضیح و معرفی یک محیط از نظر مولفه‌های تشکلی، یعنی روش تحقیق عملی و مطالعه محیط، و مجموعه روش‌های گردآوری اطلاعات جهت توصیف یک فعالیت خاص در محیط (لاپلانتین، ۲۰۰۰: ۳۲) محیط‌نگاری با این اصل شروع می‌شود که هر محیط کارکردها و واقعیت خاص خود و شفاف را می‌سازد. برای شناخت آن می‌بایستی آن را از درون مشاهده کرد، مطالعه نمود و شناخت. روش محیط‌نگاری، محقق را مجاب می‌کند که در ضمن جولان در محیط مورد مطالعه علاوه بر شنیده‌ها، اعمال ناشی از شرایط محیطی و پیرامون آنها را نیز مورد مطالعه دقیق قرار بدهد. هدف محیط‌نگاری شناخت و معرفی فعالیت حاکم بر یک محیط واقعی بدون دستکاری و تغییر می‌باشد. در واقع، محیط‌نگار مشاهداتی را انجام می‌دهد که انعطاف و انقباض محیط را

شفاف سازد (لاپاساد، ۱۹۹۱: ۷) محیط نگار هیچ پیش فرض ساختارمند شده ای را در ذهن نداشته و در پی پاسخ به نظریه ای خاص نمی باشد، بلکه به دنبال پیمایش کیفی و اکتشاف و شفاف سازی مؤلفه تشکیل دهنده و یا تشکیک کننده محیط است.

۲- پژوهش در عمل

اولین کارهای پژوهش در عمل توسط کورت لووین جهت تغییر در نگرش ها و رفتار های نهادینه شده در سطح سازمان ها و فرهنگ ها صورت گرفت. طبق نظر لووین، پژوهشگر ابتدا می بایستی وضعیت موجود را دقیقاً بشناسد و سپس در مرحله دوم مشغول به اجرای طرح های پیشنهادی خود جهت تغییرات مورد نظر بشود.

پژوهش در عمل به دو صورت امکان پذیر می شود. پژوهش در عمل خارجی، یعنی زمانی که پژوهشگری یا بنا به دعوت نهاد یا ساختاری، وارد آن می شود و شروع به مطالعه وضعیت موجود و سپس تغییرات در آن گروه می کند.

پژوهش در عمل داخلی، زمانی که یکی از اعضاء درونی سازمان و نهادی مأمور مطالعه پیرامون فعالیت گروه بشود، می باشد. (لاپاساد، ۱۹۸۹: ۱۷ و ۱۵) بعد از جمع آوری اطلاعات و شناخت وضعیت موجود فعالیت هایی جهت تغییر در سازمان را آغاز می کند.

نکته قابل تعمق در این سه روش یا ابزار جمع آوری اطلاعات، (محیط نگاری، مشاهده و پژوهش در عمل) رابطه مستقیم و تنگاتنگ و مدت دار محقق با موضوع تحقیق خویش می باشد. در این صورت امکان جمع آوری اطلاعات دقیق میسر می شود. این نکته از ویژه گی های مهم روش کیفی نیز می باشد. (هس و سووا: ۱۹۹۳: ۶۱)

۳- تاریخ نگاری

یکی از روش های جمع آوری اطلاعات در رویکرد کیفی، تاریخ نگاری می باشد، (دلوری مومبرج، ۲۰۰۰) که اخیراً در تحقیقات مختلف علوم سیاسی و راهبردی مورد استقبال زیادی قرار گرفته است.

در این روش پژوهشگر با جستجو و اکتشاف، بخش‌های مختلف رخدادهای تاریخی و آمال‌ها و آرمان‌های راهبردی و ایدئولوژیک حاکم در آن مقطع را شناسایی کرده و شناخت تغییرات راهبردی جامعه را در طول زمانی خاص انجام می‌دهد. این روش در حوزه آینده‌نگری استفاده زیادی داشته ولی امروزه در علوم راهبردی نیز جای خود را یافته است. (لاپاساد، ۲۰۰۰: ۱۷۳)

۴- تحلیل فاصله (Gap Analysis)

در روش‌های اثبات‌گرایانه، داده‌ها بر اساس سؤال و جواب‌های مختلفی به دست می‌آیند که به سادگی قابل دستکاری هستند و دستکاری نیز می‌شود. اما اصولاً باید دانست که پژوهشگر هیچ‌گاه نمی‌تواند بی‌طرفانه عمل کند و هر اندازه بیشتر دچار این توهم شود که نزدیکی (تجانس) یا فاصله و عدم نزدیکی او به هدف تحقیق تأثیری بر کار ندارد، لذا به صورت متناقضی نتایج تحقیق تحت تأثیر قرار می‌گیرد و برعکس اگر عنصر فاصله فیمابین «شدن و بودن» را در ابتداء تحقیق کشف نمائیم و فاصله و رابطه خود را با محیط تحقیق و گروه مورد مطالعه مشخص و تحلیل کنیم، در این صورت است که به شیوه جدیدی از روش تحقیق کیفی رسیده‌ایم که آن را تحلیل فاصله می‌گویند، یعنی فاصله و بازتابی که پژوهشگر در موضوع پژوهش و وضع موجود و مطلوب به دست می‌آورد. لذا باید رفتار و کارکرد موجود و مطلوب و شاخص‌های اساسی را در آن دائماً تحلیل کرد و نتیجه این تحلیل را در کل روش مورد استفاده و به کار برد، تا به واقعیت شکاف نزدیکتر نمود.

۵- مصاحبه خبرگی

در تعداد زیادی از کتاب‌های روش تحقیق، از مصاحبه خبرگان نیز به عنوان یک ابزار مستقل در جمع‌آوری اطلاعات در دیدگاه کیفی نام برده می‌شود. (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶ و کرلینجر، ۱۳۷۴: ۱۲۱) ماهیت این مصاحبه بدین صورت است که پژوهشگر گفتگوی شفاهی و رو در رو با فرد یا افراد نخبه را در حوزه مورد مطالعه خود قرار می‌دهد.

روش‌های کیفی غالباً در رشته‌ها و نظریه‌هایی کاربرد داشته‌اند که هدف، شناخت عمیق و دقیق‌تر موضوع، مقوله یا پدیده‌های سیاسی یا رفتاری برخاسته از آن بوده است. در واقع، در گذر از کاربرد روش کیفی می‌توان پی به ویژگی‌ها و اهمیت موضوع نیز برد، به تعبیری دیگر می‌توان گفت که روش کیفی دیدی خرد و در عین حال عمیق ولی قابل استفاده و تعمیم در سطح کلان دارد و از این روست که روش کیفی هم در رشته‌های مدیریت راهبردی و جامعه‌شناسی سیاسی بارها اجرا شده و در ساخت و شکل‌گیری تعدادی از نظریه‌های علمی، مانند پدیدارشناسی روش‌شناسی محیطی موفق بوده است.

۶- تدوین راهبرد

تکثر در دیدگاه‌ها و مطالعات راهبردی و این که ابهام‌هایی در مورد رشته مطالعات کیفی- راهبردی وجود دارد که دقیقاً نمی‌توان گفت مطالعات راهبردی چیست محققین زمینه‌های فکری یکسان و کمتری نسبت به یک حوزه و محیط دارند زیرا مطالعات راهبردی از طرفی تمرکز بر روی مجموعه گسترده‌ای از تئوری‌های عمده و فراگیر و از طرف دیگر ادعای کشف مجموعه‌ای از شاخص‌های محیطی اساسی و اعمال راهبردی این شاخص‌ها در رسیدن به هدف مورد مطالعه دارد. سوالی که پیش می‌آید این است که آیا می‌توان مطالعات راهبردی را کلاً بدون بررسی متد، بدون یک حوزه مشخص تحقیق و بررسی در نظر گرفت؟ پاسخ به این سوال، تحقیق درباره متدولوژی در مطالعات راهبردی را می‌طلبد. البته هدف نویسنده، ارائه تئوری واحد و یا متدولوژی واحد نیست بلکه بحث درباره متدولوژی‌های مختلف در مطالعات راهبردی است.

۳- مطالعات راهبردی به عنوان یک علم میان رشته‌ای در دهه ۱۹۸۰ شاهد حضور مطالعات کیفی به طور رسمی به عنوان رشته علمی تحقیق، با حوزه و برنامه خاصی در بافت بیشتر رشته‌های دانشگاهی بود و در این میان تحقیقات راهبردی را به صورت میان رشته‌ای توزیع و مطرح نمود. به دلایلی که در مورد ایجاد مطالعات راهبردی و توسعه تاریخی آن گفته شد، مسائل مربوط به متد، به صورت شکل عمومی و کلی ایجاد نشد بلکه در بافت رشته‌های خاص، خود را آشکار نمود. این

امر محققین را واداشت تا از سوگیری و نیز تقلیل‌گرایی متد در مطالعات راهبردی اجتناب کنند. در عوض از وجود و امکان تمام متدولوژی‌ها در مطالعات راهبردی حمایت نمایند. این متدولوژی‌ها برگرفته از محیط‌شناسی، تئوری‌های قدرت بوم‌شناسی، مطالعات تخصصی، مطالعات خلاق و آینده‌نگری، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و مدیریت تحول است. مطالعات راهبردی، تأکید بیشتری بر استفاده از متون راهبردی و دست‌ساخته‌ها و اعمال راهبردی در بافت‌های مختلف محیط، از یک سامانه جامع از خود را دارد. ما باید به دنبال الگو یا ترکیبی برای مدیریت متدولوژی در مطالعات راهبردی باشیم نه یک الگوی واحد که تأکید بر محدودیت‌های مطالعات راهبردی دارد. مطالعات راهبردی درصدد محدود کردن قدرت و اقتدار سیاسی، نیست بلکه تلاش دارد تا تعریفی خلاق و مؤثر و دوباره از رشته‌های دانشگاهی سنتی بنماید. صحبت از خوانش‌های جدید است که متد‌های جدیدتری را ملزم می‌سازند. مکاشفه و شهودی کیفی که به جای یافتن تئوریهای کمی‌نگر، غیربومی و عمومی متدولوژی مدیریت‌گفتمان در مطالعات راهبردی را پیش می‌برد. مثل چگونگی طراحی سؤالات متدولوژی، ملاحظات و اعمالی که می‌توانند دامنه روش کیفی را گسترش بدهند. در واقع اکنون با عرصه‌ای وسیع و با کانون‌هایی مشخص مواجهیم، لذا اگر لازم باشد تئوری و نظریه، بسته به موقعیت کیفی باید مورد توجه قرار گرفته و با آن برخورد شود و تغییر رویه از کیفی به کمی بنا به ضرورت داده شود. در مطالعات راهبردی، مهم مدیریت چندین روش ترکیبی از محیط‌شناسی شهودی و استنتاج می‌باشد. از این رو محققانی که روش‌های کیفی را مرجح می‌پندارد پارامتر محیطی را بسیار با اهمیت می‌دانند.

۷- تحلیل محتوی:

تحلیل محتوی یکی دیگر از ویژه‌گی‌های مهم در روش کیفی می‌باشد. تحلیل محتوی، یعنی بررسی عمیق داده‌های جمع‌آوری شده که در تمامی علوم انسانی حتی در ادبیات نیز کاربرد داشته، می‌تواند رابطه متغیرها و شبکه ارتباطات را نه در سطح بلکه در عمق مشاهده و بررسی بکند. (باردن، ۱۹۸۳: ۲۶) در این حالت، نکات مهمی را می‌بایستی در نظر گرفت یا مراحل مختلفی را می‌باید پیمود. اولاً در

نظرگرفتن تمامی ابعاد فضایی که اطلاعات در آن فضا جمع آوری شده است، در ثانی روشن کردن واژه‌ها و مفاهیم کاربردی توسط بازیگران آن موقعیت، و سپس رتبه‌بندی کردن آنها، ثالثاً آشکار کردن بخش‌های پنهانی یک رابطه یا شبکه روابط موجود بین بازیگران و یا بخش‌های مختلف رفتارها و گفتارها و در نهایت روشن کردن ناخودآگاه فردی یا جمعی در پی الفاظ و رفتارها. مجموعه انجام این مراحل در مورد داده‌های جمع‌آوری شده، تحلیل محتوی را به دنبال خواهد داشت. (هس، ۱۹۸۹: ۴۹)

به طور خلاصه می‌توان گفت که دیدگاه کیفی در صورت خوب انجام دادن علاوه بر مکمل بودن با روش کمی، می‌تواند در مورد موضوعی انجام پذیرد تا بدین ترتیب هم صحت مطالب جمع‌آوری شده تأیید شود و هم تحلیل عمیق، دید کیفی کمک به شناسایی دقیق علل به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی یا رفتارهای خاصی می‌کند و در نهایت می‌تواند مانند پژوهش‌های ژان پیازه به تبیین نظریه‌ای و نتایج جهان‌شمول بیانجامد.

لذا شناخت و آموزش دیدگاه کیفی به پژوهشگران و وجود پژوهشگران کیفی در کنار خیل عظیم پژوهشگران کمی در جامعه علمی می‌تواند منشاء اثر خوبی در امر پژوهش‌های راهبردی باشد.

اما در کنار نکات مثبت این روش، یکی از مشکلات و نکات منفی این روش دخالت احساس، اندیشه و عقاید پژوهشگر در موضوع مورد پژوهش می‌باشد. در مواقعی این عناصر مانع خوب دیدن، درست دیدن و درست تحلیل کردن می‌باشد. (لورو، ۱۹۸۸: ۱۷) حتی در مواقعی، پژوهشگر می‌تواند تحت تاثیر محیط قرار بگیرد.

بررسی تطبیقی روش کیفی و کمی

از منظر معرفت‌شناسی، روش کمی و کیفی رویکرد متفاوتی ندارند. هر دو روش به دنبال طرح سوالات اساسی، در جستجوی شناخت جهان هستی و جهان واقعیت بوده و دیدگاه شناخت‌گرایانه و محیط‌محور دارند. ولیکن در عمل هر دو، موضوع را به یک شکل نمی‌بینند و آن را مشابه هم نیز بررسی نمی‌کنند.

روش کمی سعی در علمی جلوه دادن هر چه بیشتر خود دارد لذا پاجای پای روش های علوم تجربی گذاشته و دیدگاه پوزیتیویستی، یا اثبات‌گرایانه، یا قابل تجربه خود را رونق می‌دهد و طبیعتاً فرضیه‌های ساختارمند را تأیید و مطرح می‌کنند. به عبارتی، فرضیه‌آزمایی یکی از اهداف اصلی و عمده روش کمی می‌باشد.

اما روش کیفی، یا ژرفنگر، یا تحلیلی، یا توصیف‌زمینه‌ای روشی است که بر یک دیدگاه فلسفی "تفسیرگرایانه" مبتنی است و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهانی انسان مدار معطوف است. در ضمن پژوهش کیفی بر آن گونه از روش‌های تحلیل و تبیین استوار است که در آنها به درک عمیق، پیچیده‌گی، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌شود. (شریفی، ۱۳۸۰: ۲۷۰) در واقع از جهت مخالفت با روش‌های اثبات‌گرایانه روش کیفی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش کیفی این است تا رویدادی را شرح دهد. (مارشال، ۱۳۷۷: ۵۷). غالباً پژوهش‌های کیفی براساس تجربه و مشاهدات مستقیم پژوهشگر آغاز می‌شود. یعنی حتماً پژوهشگر قبلاً با موضوع خود در محیط تحقیق به صورت طبیعی برخورد داشته است. و در مواقعی پژوهشگر موردهایی را بصورت هدفمند پیرامون خود یافته و مورد مطالعه دقیق و عمیق قرار داده است. (ین، ۱۳۸۱: ۴۲) از این دست نمونه‌ها می‌توان به تک‌نگاری‌های جامعه‌شناس فرانسوی لوپلی پیرامون ارتقاء هنجارهای فرهنگی در فرانسه یاد کرد. (لوپلی، ۱۹۸۹: ۵۳)

در مورد فرضیه در تحقیق کیفی نیز می‌بایستی این نکته را یادآور شد که، در این روش با وجود این که پژوهشگر قصد آزمون فرضیه‌ای را ندارد ولی، این امر بدان معنی نیست که، پژوهشگر قبل از پژوهش نداند در پی جستجوی چه چیزی هست؟ و یا پژوهشگر هیچ حدس و گمانی پیرامون موضوع مورد پژوهش خود از قبل در ذهن نداشته باشد؟ فقط پژوهشگر فرضیه‌ای ساختارمند و از قبل تعیین شده‌ای را به شکل مرسوم روش کمی در ذهن نمی‌پروراند. به عبارتی، در مورد فرضیه انعطاف‌پذیری وجود دارد. به همین دلیل اطلاعات به دست آمده، نتایج پژوهش را هدایت و فرضیه‌ها را شکل می‌دهند. لذا، فرضیه‌آزمایی هدف روش کیفی نمی‌باشد.

در اثبات‌گرایی، پس از جمع‌آوری اطلاعات به روش شمارش و ارقام، و تحلیل متغیرها، هدف اصلی آزمایش فرضیه‌ها و تعمیم و پیش‌بینی می‌باشد. در حالی که در روش کیفی یا تفسیر‌گرایی پس از جمع‌آوری اطلاعات به روش‌هایی همچون مشاهده، محقق در صدد توصیف، روشن‌سازی و معرفی چگونگی وضع موجود بوده و بعضاً به ایجاد فرضیه خواهد انجامید. (سیلورمن، ۱۳۷۹: ۱۹۳)

در ضمن، محدود نبودن در سطح یک یا دو متغیر، از دیگر ویژه‌گی‌های این روش می‌باشد. چون، غالباً در روش کمی به دنبال رابطه همبستگی بین چند متغیر محدود هستیم. در حالی که، در رویکرد کیفی از سوئی تعداد متغیرها محدود نبوده، از سوی دیگر به دنبال رابطه همبستگی بین متغیرها نیز نمی‌باشیم. توصیف وضعیت موجود یک موضوع و دلایل وجودی آن از اهداف روش کیفی می‌باشد.

از نظر انتخاب موضوع نیز، قاعداً روش‌های کیفی بیشتر موضوع‌های ملموس، انسانی و رویارویی را انتخاب کرده و در سطح خرد به صورت عمیق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. از این جهت، روش‌های کیفی در جامعه‌شناسی خرد و یا نظریه‌های کنش متقابل (مید، ۱۹۶۳) یا جامعه‌شناسی سیاسی و امور راهبردی (لورو، ۱۹۸۱) کاربرد زیادی دارند. بنابراین، اینجا و این لحظه، «آن جا و چه وقت» در زمان مورد مطالعه، پیرامون موضوع مورد بررسی از اهمیت ویژه‌ای در این روش برخوردار می‌باشد. (هس و سوا، ۱۹۹۳) در نتیجه، از نکات مهم در روش کیفی توجه به محیط موضوع مورد تحقیق، بسیار اهمیت دارد. (مارشال، ۱۳۷۷).

همچنین، به دنبال اهمیت محیط در تحقیقات کیفی، درک فیزیک و معنی استفاده شده توسط افراد در زمینه، به اعتقاد گارفینکل (سیلورمن، ۱۳۷۹) یا تعریف موقعیت (مید، ۱۳۶۳) بر اساس تعریف اجزاء اساسی و مؤثر در یک محیط بسیار، ملاک عمل می‌باشد. به اعتقاد برجه و لوکمان (۱۹۸۶) دو جامعه‌شناس پدیدارشناس، از سوئی واقعیت‌ها به صورت اجتماعی ساخته شده و از سوی دیگر معنی آنها منحصر به شرکت‌کنندگان یک موقعیت می‌باشد. لذا توجه دقیق به محیط‌های مورد تحقیق در این روش مد نظر می‌باشد. چون یک راهبرد وفاق و هدفمند و برنامه فقط با کشف موقعیت طبیعی یک محیط معنی پیدا می‌کند. (دو لوز، ۱۹۹۷: ۵) در این رابطه دو لوز می‌افزاید: در هر گروه اجتماعی کلمات، اصطلاحات، و

رفتارهای مخصوصی وجود دارد که فقط اعضای آن گروه آنها را می‌شناسند و انجام می‌دهند. فقط آن معنایی درست است که خود مجریان می‌گویند و نه آنچه که ناظران می‌بینند و مطرح می‌کنند. لذا جهت شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های جاری در یک محیط، شناخت روندها و بسترهای ظهور مؤلفه‌ها ضروری و لازم است. روش شناسان بوم‌نگار معتقدند که رفتار محیط مانند یک زبان گویا می‌تواند خود منشاء یک گفتمان باشد، در نتیجه هر دو عنصر محیط و مردم همزمان می‌بایستی مورد مطالعه قرار بگیرند. (همان منبع: ۲۳) بنابراین، جهت شناسایی این رفتارها و گفتگوها روش عمیق کیفی لازم و ضروری می‌باشد.

به دنبال نکته مطرح شده در روش کیفی، توجه به معنی و مفاهیم و محیط‌های طبیعی (و نه مصنوعی ساخته شده توسط پژوهشگر) و تأکید بر این که واقعیت در بیرون از فرد وجود ندارد، بلکه در ذهن فرد شکل و شاخص بندی می‌شود در نتیجه، از سوئی معنی و مفهوم افراد جامعه، از سوی دیگر این معانی در موقعیت‌های طبیعی که فرد در آن قرار دارد، برای پژوهشگر کیفی دارای اهمیت می‌باشد.

با توجه به این که در پژوهش کیفی، پژوهشگر قصد شناخت واقعیتی را دارد تا به توضیح، توصیف و تفسیر آن بپردازد. در نتیجه، قصد اجرای نظریه‌ای را در ذهن نمی‌پروراند. ولی بعد از جمع‌آوری اطلاعات، در تحلیل‌ها می‌توان از نظریه‌های موجود کمک گرفته و نتایج را تحلیل و تبیین کرد. در واقع، در روش کیفی از عمل یا واقعیت موجود موضوع، به سمت نظریه می‌روند. (لاپاساد، ۱۹۹۱: ۴۷) در نتیجه، پژوهش‌های کیفی در صورت خوب انجام یافتن، نسبت به روش کمی بیشتر می‌توانند به تبیین نظریه‌ای بیانجامد.

در صورتی که پژوهشی کیفی به صورت دقیق در مقیاسی کوچک، اطلاعاتی را یافته و سپس سعی نماید در مکان و زمان دیگری همان روش را تکرار و در صورت یافتن پاسخ مشابه، امکان تعمیم نتایج را میسر کند. بدین ترتیب انتقاد تعمیم ناپذیری روش کیفی حل می‌شود. البته چون فنون جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل‌های استنباطی کاری است شدنی ولی استعداد اندیشیدن پیرامون این داده‌ها نیاز به شناخت علمی و اطلاعات کافی پیرامون موضوع را طلب می‌کند. (کیوی و وان کامپنهود، ۱۳۷۰: ۳۶) بنابراین، پژوهشگر روش کیفی می‌بایستی اولاً شناخت نسبتاً

خوبی نسبت به موضوع و محیط داشته باشند، ثانیاً به خوبی بر نظریه های موجود پیرامون آن موضوع تسلط داشته باشد.

درمورد نمونه گیری، اگر نمونه های پژوهشی به صورت حتی هدفمند انتخاب بشوند، بطوری که معرف واقعیت جامعه پژوهشی باشند و نمونه های منحصر به فرد نباشند، مسأله تعمیم ناپذیری نتایج پژوهش کیفی نیز از این جهت منتفی خواهد شد.

نکته دیگر در پژوهش های کیفی راهبردی نقش ارقام و اعداد می باشد. بر خلاف وجود اعداد که در پژوهش های کمی از جایگاه خاصی برخوردار و توضیح و تفسیر، از جایگاه ضعیف تری برخوردار می باشد، در پژوهش های کیفی راهبردی اولاً اعداد جایگاه مهمی ندارند و ثانیاً توضیح و تفسیر و کلاً نوشتن نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. (بومارد، ۱۹۹۰: ۲۳ و وانکراینت، ۱۹۹۰: ۴۵) البته اینکه اعداد جایگاه خوبی ندارند، به این معنی نیست که اعداد هیچ نقشی ایفا نمی کنند، بلکه اصل این گونه روش ها، بر اعداد متکی نمی باشد.

تجزیه و تحلیل یافته ها:

چارچوب نظری در یک روش تحقیق یعنی یک نقشه ذهنی که محقق برای ساخت موضوع پژوهش ترسیم می کند و با سه مفهوم: پیشینه، پرسش و یافته ها سروکار دارد. سه مفهوم اساسی که باید با هم در یک تحقیق در یک رابطه منطقی قرار گیرند.

اما در حوزه پیشینه در روش های تحقیق امروز بسیار ضعیف عمل می شود. اصولاً باید بر این نکته تأکید کرد که در علوم انسانی کمتر ممکن است موضوعی پیدا شود که کسی بر روی آن کار نکرده باشد، یعنی تقریباً هیچ وقت در این علم از نقطه صفر حرکت نمی شود، بلکه دائماً بر روی مسائلی تأکید می شود که بارها و بارها با رویکردها و روش های مختلف بر روی آنها کار شده است و همیشه پیشینه ای در آن رابطه وجود دارد، نکته دیگر که در روش تحقیق کیفی باید مورد توجه قرار گیرد رابطه پیشینه با پرسش از لحاظ متد است که چه چیزی در پیشینه نیست

که باید باشد و برای جستجوی این ابهام و خلاء باید چه تحقیقاتی در چه بستر و زمینه‌ای دنبال شود.

نکته دیگر در روش کیفی پاسخ به این سؤال است که تحقیق ما چه چیزی به دانش موجود اضافه می‌کند؟ برای طرح تحقیق اول باید این مسأله را بدانیم که دانش موجود چیست و شناخت اولیه از موضوع داشته باشیم و لذا هنگامی که پژوهشگری عنوان می‌کند چیزی برای موضوع پژوهش پیدا نکرده است و پیشینه‌ای نیافته این ضعف متدولوژیک او را در علوم انسانی و روش تحقیق کیفی می‌رساند.

فاصله روش‌های کمی و کیفی در این است که کمیت ظاهر حقیقی تری دارد و کیفیت ظاهر نسبی تری به کار می‌دهد، از این روست که علوم طبیعی برپایه روش کمی و اثباتی استوار شده‌اند، با این رویکرد که در روش اثباتی تنها چیزهایی را باید در تحلیل خود مورد توجه قرار داد که وجود داشته و اثبات شده باشند، چیزی که وجود خارجی نداشته و یا نمی‌تواند در قالب یک متغیر واضح و عینی تعریف شود قابل اثبات نبوده و نمی‌تواند مبنای روش اثباتی باشد. هیچ پزشکی بر اساس نبود علامت، حکم صادر نمی‌کند و قاضی اگر در فرایند قضاوت سندی را به صورت مشکوک به دست آید مورد بحث قرار نمی‌دهد، لذا امر اثباتی اگر در فرایند روشهای اثباتی نباشد مؤثر نیست.

روش کمی از یک اصل اولیه حرکت می‌کند که اصل اولیه بر این فرض استوار است که اعداد دارای وجود خارجی بدیهی هستند ولی چیزی که عدد نیست دارای وجود خارجی بدیهی نیست و باید آن را حذف کرد. روش کمی روشی است که داده‌های کمی را جمع‌آوری می‌کند ولی از آن به گونه‌ای استفاده می‌کند که اصول اولیه را پذیرفته و آن را مورد تأیید قرار دهد.

روش کمی بر این پیش‌فرض حکایت می‌کند که در موقعیت تعریف شده‌ای به دنبال واقعیت‌های عینی بگردد، هر چند استفاده از داده‌های اثباتی لزوماً به معنی استفاده از آن در سطح عمل نیست. نظر سنجی‌ها که آشکارترین شکل سوء استفاده از این روش برای واقع‌نمایی است، از خطرناکترین شیوه‌ها در نزدیکی عینیت به حقیقت است.

از سوئی دیگر برخی معتقدند اولین ایراد در روش تحقیق کیفی عمل به تمایلات ذهنی و فکری از سوی محقق است و ایراد بعدی دیگر آن، تفسیر پذیری بیش از اندازه روش‌های کیفی است که روش کمی از قبل به آن فکر کرده و دیگران را با فراوانی داده در حمایت از محقق می‌کند. نقطه حمله به روش کیفی عموماً به موضوع عدم امکان تعمیم پذیری آنها مربوط می‌شود، چه چیزی ثابت می‌کند نتیجه پژوهش کیفی تعمیم پذیر است؟ روش کیفی اصولاً بر اساس رویه دیگری استوار است و اختلاف، انسان‌ها و رفتار آنها را اصل قرار می‌دهد که قابل تبدیل به پدیده‌های یکسان نیستند، بلکه صرفاً به شکل ژرف و عمیق وارد پدیده‌ها شده و آن را جستجو و داده‌کاوی می‌کند، لذا در بدو امر به نظر می‌رسد که متغیرها و شاخص‌های انتخاب شده بر اساس رویکردی ذهنی و دلخواهانه انجام گرفته‌اند، اما این گرایش فردی و سلیقه‌ای دارای منطق خاص خود است که بر منطق و گویا بودن نمونه‌ها تأکید می‌کند. به همین دلیل نیز پژوهشگر مسلماً باید در روش کیفی، نمونه برداری خود را در محیط تحقیق توجیه کند و اگر نمونه برداری براساس روش‌های صرفاً اتفاقی و ذهنی انجام شود اعتبار خود را از دست می‌دهد و لذا در نمونه‌گیری کیفی تصادف و یا ذهن‌گرایی غیر عینی کاملاً بی‌ربط است، چون گویای هیچ چیز نیست. در نمونه‌گیری کیفی باید نمونه‌تعمدی باشد و نمونه‌به‌دلایل خاصی انتخاب شود و روشی برای نمونه‌گیری تصادفی وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. باقری، خسرو، دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت. انتخاب و ترجمه. انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵.
۲. پلتو، پرتی، روش تحقیق در انسان‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۳. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
۴. سیلورمن، دیوید، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۹.
۵. شریفی، حسن پاشا و نسترن شریفی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۶. کرلینجر، فرد آن، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، مترجمان، دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند، موسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۴.
۷. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۸. مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من، روش تحقیق کیفی، مترجمان، علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
۹. ین، رابرت، ک. تحقیق موردی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.



پڙهه ښکاره علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی